تکرار سه‌گانه تاریخ

لیبرالیسم، پیشتاز نظرسنجی‌های رسوایی

حمیدرضا آریان‌پور

عکس: AP

توجه آمریکایی‌ها بیشتر به نگهداشت ارزش‌های لیبرالیسم است. این برآیند تازه‌ترین نظرسنجی‌هایی است که پیرو رسوایی‌های سه‌گانه در ایالات متحده انجام شده‌اند. آنچه جمهوریخواهان «واترگیت» اوباما می‌خوانند، تاکنون هیچ اثری بر مردم‌پسندی رییس‌جمهور دموکرات آمریکا نگذاشته است. در هر حال اما رسوایی‌های سه‌گانه دور دوم ریاست‌جمهوری باراک اوباما - بنغازی، IRS و AP- که هر سه هنوز داغند، از امیدهای راستگرایان ایالات متحده‌اند برای پیروزی در انتخابات آینده. محافظه‌کاران از پنهانکاری دولت درباره اقدامات پس از حمله به دیپلمات‌های آمریکا در لیبی، مردم از هدف‌گرفتن گروه‌های محافظه‌کار از سوی سرویس مالیات داخلی و لیبرال‌ها از تحقیقات درباره افشای اطلاعات در رسانه‌های خبری شوکه شده‌اند، اما آخرین نظرسنجی‌ها گزندندیدن جایگاه رییس کنونی کاخ‌سفید را نشان می‌دهند، هرچند خطراتی را هم متوجه آینده او می‌کنند. تردید نباید کرد که جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۱۴ و ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ در بزرگ و بزرگ‌تر کردن این سه داستان کم نخواهند گذاشت، ولی خود آنها هم ممکن است در این داستان‌ها بازنده باشند. جمهوریخواهان که با تکیه بر نفوذ ثروتمندان و نظامیان همراه، دهه‌هاست برای ناتوان نشان‌دادن سران حزب دموکرات و روش این حزب رقیب در کوشش بوده‌اند، احتمالا خریدار کمتری برای فرآیندهای رسواکننده خویش خواهند یافت اما دموکرات‌ها هم ناچارند برای جلب آرا در حفظ حریم لیبرالیسم بجنگند.

آنچه با مرور گذرای این سه «رسوایی» به چشم می‌آید، نخست تقلای جمهوریخواهان برای پیونددادن شخص اوباما و دیگر رهبران ارشد حزب دموکرات به متن داستان و دوم بی‌توجهی افکار عمومی آمریکایی‌ها به جوسازی‌های جمهوریخواهان تا امروز است. نخستین تا همیشه پی گرفته خواهد شد و دومی تاکنون ادامه یافته است گرچه می‌تواند با شواهدی که در بخش چهارم می‌آید چرخش داشته باشد.

الف- رسوایی‌های سه‌گانه

۱- بنغازی

حمله تروریستی سپتامبر ۲۰۱۲ در بنغازی لیبی که به کشته‌شدن سفیر ایالات متحده و سه آمریکایی دیگر انجامید، واپسین ابزار فشار در انتخابات نوامبر و نخستین آلت دردسرسازی برای دولت دوم اوباما بود و هست. اتهامات سنگینی به «هیلاری کلینتون» و شخص اول دولت زده شد. گناه اصلی از دید جمهوریخواهان ابتدا کوتاهی و سپس سرپوش‌گذاشتن بر واقعیت اعلام شد. جمهوریخواهان ادعا کردند و می‌کنند که مقامات دولت اوباما تظاهرات غیرقابل پیش‌بینی را دلیل مرگ آمریکایی‌ها در حال انجام ماموریت اعلام کرده‌اند و نه حملات تروریستی که قابل پیش‌بینی بوده است. اما آمریکایی‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری توجه چندانی به «رسوایی بنغازی» نکردند و حالا هم نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که توجه ویژه‌ای به این داستان ندارند. در واقع مردم آمریکا در موضوع به دو دسته بخش شده‌اند و این روندی نیست که «رسوایی ملی» نام گیرد. تاکنون برخی سناتورهای جمهوریخواه برای شلوغ‌کردن اوضاع، از امکان اعلام جرم علیه اوباما یا سلب صلاحیت از هیلاری کلینتون برای دوباره به دست‌گرفتن مناصب عالی گفته‌اند اما اینها هم مساله را تغییر نداده است. اینکه اوباما مسوولیت حادثه و این واقعیت را که فرستادگان آمریکا به شهری که به لحاظ امنیتی خطرناک بوده رفته‌اند، برعهده گرفت، به اوباما کمک کرده است.

موضوع بنغازی همچنان کمرنگ نشده اما این روزها همزمان با ادامه تلاش جمهوریخواهان برای تازه نگه‌داشتن بحث بنغازی و پیونددادن شخص اوباما و کلینتون با ماجرا، دو «رسوایی» دیگر هم با دولت دموکرات همراه شده است.

۲- سرویس مالیات داخلی

نخستین مورد «رسوایی IRS» است، رسوایی مربوط به سوءاداره «سرویس مالیات داخلی» (Internal Revenue Service) که در واقع از یک سال پیش آغاز شده است. داستان از این قرار است که گویا بازرسان این اداره در مواجهه با موج گروه‌های تبلیغاتی که در دور نخست دولت اوباما شکل گرفته بودند، گروه‌های وابسته به جنبش «تی پارتی» یا «پاتریوت» را سیاسی‌تر از آن دانسته‌اند که شایسته معافیت مالیاتی باشند. بعدها با درگرفتن بحث‌هایی درباره جهت‌گیری‌های مقامات IRS، آنها با سخت‌ترکردن پروسه و زیرنظر گرفتن بیش از حد نیاز و بیش از پیش گروه‌های گوناگون حتی بدتر از پیش عمل کردند. در این مورد هم اوباما عملکرد دفاعی اما متفاوت داشت. این‌بار او اعمال مقامات سرویس مالیات داخلی را «غیرقابل تحمل و غیرقابل بخشش» خواند. این واکنش هم جمهوریخواهان را در روند تخریب پیش برده و می‌برد. تلاش برای پیونددادن شخص اوباما با این رسوایی بسیار برجسته‌تر از رسوایی بنغازی بوده است. رسانه‌های راستگرایی مانند فاکس که از جمهوریخواهان دوآتشه‌اند هر آنچه توانسته‌اند برای ارتباط‌دادن اوباما به داستان گفته‌اند و نوشته‌اند. اما اینها هم تاکنون شکست خورده است. نزدیک به دو هفته پیش رییس IRS از کار کناره‌گیری کرد و اوباما نوید همکاری با کنگره برای ایجاد تغییرات لازم را داد. آمریکایی‌ها در نظرسنجی‌های محبوبیت، این مساله را هم نادیده گرفته‌اند.

۳- شنود روزنامه‌نگاران آسوشیتدپرس (AP)

اما رسوایی سوم مربوط به گردآوری مخفیانه محتویات تماس‌های تلفنی روزنامه‌نگاران آسوشیتدپرس (AP) است. این رسوایی یک تفاوت بزرگ با رسوایی IRS دارد و آن این است که دپارتمنتی که تحت نظارت مستقیم اوباماست در آن گرفتار است. شنودها در جریان تلاش برای یافتن منبع درز اطلاعات درباره حمله شکست خورده‌ای از القاعده در یمن انجام گرفته اما در این مورد هم، جمهوریخواهان در اثبات درگیری مستقیم اوباما تاکنون ناتوان بوده‌اند. اکونومیست هفته گذشته نوشت که مفسران متخصص کاخ‌سفید این مورد را هم با دنباله‌ای مهم نمی‌بینند. جمهوریخواهان تا جایی که توان داشته‌اند حمله کرده‌اند که باز هم انتخاباتی از راه خواهد رسید. اگر در مورد بنغازی جمهوریخواهان از کوتاهی در انجام وظیفه سخن می‌گفتند و اینکه «اوباما ضعیف‌تر از آن است که از قدرت آمریکا برای حفظ فرستادگانش استفاده کند»، حالا آنها کار را به جایی رسانده‌اند که اوباما را مستبد می‌خوانند، «کسی که خواهان استفاده از قدرت دولت برای خردکردن آزادی‌هایی است که پدران موسس جمهوری شکل داده‌اند.» به قول اکونومیست او را از جیمی کارتر ضعیف به جورج سوم مدرن بدل کرده‌اند. چقدر جالب است استفاده جمهوریخواهانی که کسانی چون جورج بوش و دیک چنی را دارند از چنین الفاظی!

ب- زیان احتمالی جمهوریخواهان

۱- تکرار تاریخ

اکونومیست می‌نویسد: «این چرخشی گیج‌کننده است اما معنایی سیاسی دارد. نزاع IRS پیش از انتخابات میان دوره‌ای ۲۰۱۴ در کمترین حالت هدیه‌ای برای جمهوریخواهان است، در حالی که نزاع AP ضربه‌ای شدید به اوباماست.» آنچه اما به نوشته اکونومیست جالب‌تر است اینکه ضعیف‌خواندن دموکرات‌ها درمورد امنیت ملی پیش‌تر رای آور بوده اما دو جنگ هزینه‌بر این موضوع را تغییر داده است. «این می‌تواند نخستین درس از رسوایی‌هایی باشد که اکنون در کاخ‌سفید مورد بحث است.» اینکه پرونده جمهوریخواهان سیاه‌تر از آن است که با برچسب‌زدن به دیگران پاک شود. به قول رامش پونورو، از دبیران ارشد نشنال ریویو در مقاله‌ای در بلومبرگ، «جمهوریخواهان به سختی می‌توانند جلوی شادی خود را از فوران همزمان سه مجادله عمده درباره دولت اوباما بگیرند» اما اینکه این فوران واقعا چه سودی برای آنها خواهد داشت نیازمند دقت بیشتر است. به‌رغم نظرسنجی‌هایی که نشان می‌دهند محبوبیت اوباما پس از این سه داستان حتی بالاتر رفته است، استراتژیست‌های جمهوریخواه از رویه‌ای که پیش گرفته‌اند شادمانند. اما محافظه‌کارانی که روزهای سررشته‌داری بیل کلینتون را در ذهن دارند، کمتر هیجان زده‌اند. هراس کارشناسان خبره راستگرا، تکرار اشتباهات سال ۱۹۹۸ میلادی است. پونورو می‌نویسد: «اوایل سال ۱۹۹۸ روشن شد که پرزیدنت بیل کلینتون با یکی از کارآموزان کاخ‌سفید رابطه جنسی داشته و درباره آن به عموم مردم و به دادگاهی در دادخواست مدنی و به هیات منصفه در دادگاهی جنایی دروغ گفته است. جمهوریخواهان کنگره سعی کردند او را از کار برکنار کنند. مردم از این ایده بیزار شدند و جمهوریخواهان در انتخابات پاییز چندین کرسی را از دست دادند. با توجه به سابقه پیروزی حزب مخالف در سال ششم یک دولت، انتظار می‌رفت که آنها هم پیروزی قابل توجهی به دست آورند اما نیوت گینگریچ هم ریاست کنگره را از دست داد.» حالا انگار خطاها در حال رونویسی شدن هستند. تاکتیک ۲۰۱۳ جمهوریخواهان ممکن است در انتخابات ۲۰۱۴ به نتایجی مانند نتایج ۱۹۹۸ بینجامد. جمهوریخواهان نه فقط برای ۲۰۱۴ که برای ۲۰۱۶ هم خواب دیده‌اند. سناتور لیندسی گراهام که از رهبران مواخذه هیلاری کلینتون است، تحقیقات بنغازی را مستقیما به انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ پیوند زده و از شایسته‌نبودن او سخن می‌گوید. کسانی مانند او در حزب جمهوریخواه در واقع به سود دموکرات‌ها گام برمی‌دارند چرا که به بهترین نحو حزبی‌بودن مسایل را آشکار می‌کنند. چیزی که جمهوریخواهان نادیده می‌گیرند، علاوه بر اینکه اوباما در انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی حاضر نیست، این است که مردم اولویت‌های دیگری دارند. روش‌ومنش جمهوریخواهان هم‌اکنون هم مانند سال ۱۹۹۸ مورد پسند آمریکایی‌ها نیست. در آن سال هم با پیگیری پرونده بیل کلینتون، محبوبیت او افزایش و درصد مقبولیت جمهوریخواهان کاهش یافت. اما در آن سال هم بر اساس نظرسنجی‌های انجام شده تنها پنج‌درصد مردم مساله رسوایی را در تصمیم‌گیری خود دخالت داده بودند.

۲- استراتژی انفعالی

در واقع آنچه آن سال باعث از دست‌رفتن کرسی‌های کنگره شد، بی‌توجهی به مسایلی چون تامین اجتماعی، آموزش، بیمه‌های پزشکی و موارد اقتصادی بود. چیزهایی که جمهوریخواهان با تمرکز بر رسوایی از یاد بردند. مشکل از اتخاذ استراتژی غیرفعال است. رامش پونورو، که از استادان موسسه امریکن اینترپرایز هم هست، می‌نویسد: «استراتژی جمهوریخواهان در سال ۱۹۹۸ این بود که بر رسوایی حساب باز کرده بودند تا محافظه‌کاران را برای رای‌دادن ترغیب کنند و لیبرال‌ها را فاسد نشان دهند. پس برای تدبیر دستور کاری عمومی یا افزایش محبوبیت خود تلاش نکردند.»

این روزها هم گویی چنین است. تاکنون که نمی‌توان شاهدی یافت که جمهوریخواهان در انتخابات ۲۰۱۴ همان‌گونه عمل نکنند. در شرایطی که مدارکی برای اثبات درگیری مستقیم رهبران دموکرات در رسوایی‌های سه‌گانه وجود ندارد، جمهوریخواهان برای پیروزی در انتخابات ۲۰۱۴ و بعد ۲۰۱۶ یک راه بیشتر ندارند و آن توجه به و ارایه برنامه برای موضوعاتی مانند بیمه‌های پزشکی، دغدغه‌های اقتصادی - سیاسی طبقه متوسط و راهکارهای به روز شده حفظ امنیت ملی است.

با وجود نظرسنجی‌هایی که نشان می‌دهند محبوبیت اوباما پس از این سه داستان حتی بالاتر رفته است، استراتژیست‌های جمهوریخواه از رویه‌ای که پیش گرفته‌اند شادمانند. اما محافظه‌کارانی که روزهای سررشته‌داری بیل کلینتون را در ذهن دارند، کمتر هیجان زده‌اند. هراس کارشناسان خبره راستگرا، تکرار اشتباهات سال ۱۹۹۸ میلادی است

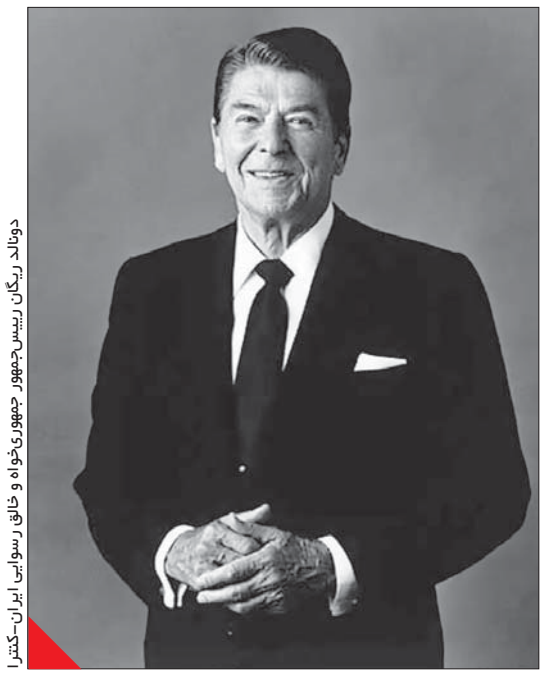
دونالد ریگان رییس‌جمهور جمهوری‌خواه و خالق رسوایی ایران-کنترا

ج- ادامه محبوبیت اوباما

حالا هم بهبود وضعیت اقتصادی آمریکا که نرخ بیکاری را کاهش داده و رونقی نسبی را به بازارهای سهام بازگردانده است، ممکن است یاریگر دولت اوباما باشد. افزایش شاخص‌های اعتماد مصرف‌کننده و خوشبینی بر ادامه بازیابی رشد قطعا موثرند. به قول نیت سیلور از کارشناسان اقتصادی نامدار آمریکا، کمبودها با وضعیت خوب اقتصادی فراموش می‌شوند. متیو ایگلسیاس در اسلیت می‌نویسد: «اگر اوضاع در زندگی واقعی مردم خوب باشد، آنها نسبتا راضی‌اند بدون در نظرگرفتن اینکه جلسات کنگره چه نتیجه‌ای داشته‌اند.»

نظرسنجی‌ها هم فعلا به نفع اوباما هستند. بعد از «بدترین هفته» دولت دوم اوباما، اوضاع هنوز به نفع اوست. ارقام تازه‌ترین نظرسنجی‌ها که چند روز پیش انجام شده جمهوریخواهان را کمی دلسرد کرده است. نظرسنجی سی‌ان‌ان و موسسه اوآرسی اینترنشنال که یکشنبه هفته گذشته منتشر شد نشان می‌داد که رسوایی‌های سه‌گانه هم به اوباما ضربه نزده است. بر اساس این نظرسنجی‌ها، ۵۳درصد آمریکایی‌ها عملکرد اوباما را قابل قبول دانسته‌اند و تنها ۴۵درصد آنها دولت اوباما را با عملکردی نامناسب ارزیابی کرده‌اند. نظرسنجی موسسه گالوپ هم نشان می‌دهد که محبوبیت اوباما دست نخورده مانده است. در نظرسنجی ماه آوریل گالوپ، محبوبیت اوباما ۴۹درصد؛ بود، درصدی که در آخرین نظرسنجی هم تکرار شده است. نظرسنجی‌های واشنگتن‌پست و ای‌بی‌سی هم از محبوبیت ۴۹درصدی اوباما خبر می‌دهند. به این ترتیب فاکس‌نیوز هم ناچار می‌شود اندکی عادلانه‌تر قضاوت کند. کریس استایرولت، دبیر سیاسی وب‌سایت فاکس و نویسنده ستون بازی قدرت می‌نویسد: «با سوءمدیریتی که همه جا دیده می‌شود، تلاش اوباما برای بیرون از حلقه رسوایی بودن، ممکن است او را از اتهام خطاکاری جدا کند اما نمی‌تواند او را از این واقعیت جدا کند که بسیاری از مقامات دولت او خارج از کنترل هستند و از قدرت سوءاستفاده می‌کنند.»

د- چالش‌های محبوب‌ماندن

این مواضع بدون شک تا سال‌ها ادامه خواهد یافت و اینجاست که هواداران اوباما و دموکرات‌ها نگران می‌شوند. مساله درواقع تنها حملات جمهوریخواهان نیست، که این حملات طبیعی است. چند موضوع دیگر است که اوباما و رهبران حزب دموکرات ایالات متحده باید نگران آن باشند.

۱- موضع دفاعی

اوباما و دولت او تاکنون درباره هر سه مساله موضع دفاعی داشته‌اند. در هر حال کوتاهی‌هایی انجام شده و هرچند مقامات ارشد در آنها دخیل نبوده‌اند، لزوم اطمینان‌دادن به افکار عمومی درباره تکرارنشدن چنین وقایعی روشن است. بعضی رای‌دهندگان آمریکایی گرچه با علاقه‌مندی به جذابیت‌های شخصی اوباما، برخی مسایل را جنجال جمهوریخواهان می‌پندارند اما مساله‌ای چون آزادی رسانه‌ها را هرگز نادیده نخواهند گرفت. به قول نویسنده مقاله «یادداشت‌هایی درباره سه رسوایی» در نسخه چاپی هفته گذشته مجله اکونومیست، با مواضع دفاعی دولت اوباما درباره بنغازی، مالیات و آسوشیتدپرس حامیان دولت عملگرای اوباما باید خطر را احساس کنند.

۲- اقتصاد ۲۰۱۴

همان‌گونه که اشاره شد یکی از دلایل ادامه محبوبیت اوباما در نظرسنجی‌های اخیر، احیای اقتصادی آمریکا در نخستین ماه‌های دولت دوم اوباما بوده است. پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ که مستقیم و غیرمستقیم مردم ایالات متحده راهم درگیر کرده، اخبار خوب اقتصادی هفته‌های گذشته که امید به بهبود را افزایش داده است، باعث رای مثبت آمریکایی‌ها به حزب دموکرات می‌شوند اما در صورت چرخش اوضاع باید انتظار داشت که برنامه‌های اقتصادی جمهوریخواهان هم مورد توجه قرار گیرد. هرچند دولت اوباما خود بحران را از دولت جمهوریخواه به ارث برده اما بازگشت اقتصاد آمریکا به رکود در سال ۲۰۱۴ ممکن است برای دموکرات‌ها مشکل بیافریند. گفته شد که از دلایل شکست جمهوریخواهان در انتخابات سال ۱۹۹۸ مسایل اقتصادی بود و حالا اوضاع اقتصادی خیلی بدتر از دهه ۱۹۹۰ میلادی است.

۳- واکنش‌های پیش‌بینی نشده

به‌رغم تداوم محبوبیت اوباما و مقبولیت عملکرد دولت او در نظرسنجی‌های اخیر، یک نکته در پاسخ‌هایی که مردم به پرسش‌های سی‌ان‌ان و اوآرسی اینترنشنال داده‌اند جلب توجه می‌کند و آن این است که بخشی از آمریکایی‌ها رسوایی‌ها را به‌طور جدی دنبال می‌کنند و گمان نمی‌کنند که جنجال جمهوریخواهان همه داستان باشد. ۷۴درصد پاسخ‌دهندگان مساله IRS و ۶۹درصد آنها مساله بنغازی را شایسته ادامه تحقیقات می‌دانند. اینجاست که پیگیری شفافیت و احترام به آزادی رسانه‌ها با وجود هواداری از اوباما رخ می‌نماید؛ مسایلی که از ارزش‌های لیبرالیسم هستند. علاوه بر این بخشی از مردم آمریکا بر اساس نظرسنجی‌ها هنوز در جریان داستان‌ها نیستند و هنگامی که در جریان قرار گیرند ممکن است تصمیم متفاوتی بگیرند. نتایج یک مطالعه که از سوی موسسه YouGov انجام شده نشان می‌دهد که ۴۰درصد کسانی که در انتخابات قبلی تصمیمشان را درباره رای‌دادن نگرفته بودند، نمی‌دانستند که جان بینر رییس کنگره است. ۳۱درصد حتی نمی‌دانند که جان بایدن کیست. داخل‌شدن آنها در بازی ممکن است نظرسنجی‌ها را افت و خیز دهد.

۴- رسوایی‌های آینده

به همه اینها باید چالش‌های دیگری را هم افزود که جمهوریخواهان بنا دارند در آینده رسوایی بنامند. چنان‌که رویترز خبر داده برخی جمهوریخواهان کنگره در تلاش هستند تا از موضوع اصلاح قوانین پزشکی هم رسوایی بسازند. کثلین سبلیوس، مشاور خدمات اجتماعی و پزشکی درمورد تقاضای سرمایه از دو واحد مستقل خصوصی به نمایندگی از گروه‌های غیرانتفاعی به نام «انرول آمریکا» مورد پرسش قرار گرفته است. بر اساس قوانین فدرال مقامات از درخواست مالی از هر سازمان یا فردی که با آنها مراوده مالی دارند پرهیز داده شده‌اند. انرول آمریکا توسط یکی از حامیان مالی اوباما در زمان تبلیغات انتخاباتی اداره می‌شود و به دنبال فروش بیمه‌هایی بر اساس نظام درمانی اوباماست؛ کاری که کنگره از آن سرباز زده است. جمهوریخواهان که اقبال کمتری میان لیبرال‌ها دارند ممکن است بکوشند از رسوایی‌های دیگری که ترتیب خواهند داد هم بهره ببرند.

نگاه

فریادهایی برای رسوایی‌های بدلی

جمهوریخواهان چوپان دروغگو شده‌اند

پیتر فن*. ترجمه: آرین پارسی

باید اعتراف کنم که من تنها معتاد سیاسی واشنگتن هستم که سریال تلویزیونی «رسوایی» و سریال بسیار بیشتر تحسین‌شده «خانه پوشالی» را ندیده‌ام. شاید این من را برای تفسیر آنچه این روزها در واشنگتن در حال روی دادن است بی‌صلاحیت کند، اما امیدوارم اینگونه نباشد.

چیزی که ما در اخبار شبانگاهی می‌بینیم یا چیزی که از کپیتول هیل [مکان و نماد کنگره] صادر می‌شود بسیار با «رسوایی» فاصله دارد. من خودم را بیشتر در دنیای آلیس در سرزمین عجایب می‌بینم.

واژه رسوایی اصلا متناسب نیست. این نه «واترگیت» است نه «ایران کنترا». چرخه خبری تمام‌وقت، انبوه رویدادها و سهولت تبدیل جلسات کنگره به دادگاه‌های نمایشی را گرفته و تناسب را کلا به هم زده است. هرچه باشد تعریف رسوایی این است: «اقدام یا رویدادی که به لحاظ اخلاقی یا قانونی نادرست ملاحظه شود و باعث خشم عمومی مردم شود.»

اما نسخه‌ای از این فیلم را قبلا دیده‌ایم. آن را در دوره کلینتون دیده‌ایم. تحقیقات، دادستان‌های ویژه، جلسه پشت جلسه، حمله، حمله، حمله. اما نهایتا چه شد؟

یک بار دیگر، آمریکایی‌ها در حال بمباران شدن با کلمه «رسوایی» هستند، و کلماتی که همراه آن می‌آیند عبارتند از «لاپوشانی»، «توطئه»، «فساد». مشکل اینجاست که اصلا رسوایی‌ای وجود ندارد، هیچ موضوعی که مشابه واترگیت باشد موجود نیست.

کارکنان سرویس مالیات داخلی در تلاش برای تعیین سازمان‌هایی که حامیان مالی خود را مخفی و وضعیت معاف از مالیات ایجاد می‌کردند و در لفاف «رفاه اجتماعی» می‌رفتند، از واژه‌های کلیدی «تی پارتی» استفاده

ریچارد نیکسون خالق رسوایی واترگیت

کرده‌اند. اشتباه بزرگی است. اما اوباما و کاخ‌سفید را سرزنش کنیم؟ خواهش می‌کنم! سرویس مالیات داخلی دو جین از گروه‌های لیبرال را هم هدف قرار داده است. هیچ‌یک از این گروه‌های تبلیغاتی سیاسی نباید وضعیت معاف از مالیات یا نام سازمان‌های رفاه اجتماعی بگیرند. رسوایی واقعی این است.

و قرار است چطور درباره مساله بنغازی تحقیق کنیم؟ باز هم توطئه‌ای در کار نیست، فقط همان مساله رقابت معمول است. گیجی و عجله برای رسیدن به چیزی که تحقیقات در حال انجام را مورد خطر قرار می‌دهد.

حقیقت ناراحت‌کننده این است که صدای پیوسته طبل در حال سایيدن اعتماد عمومی و منجرشدن به بدبینی بیشتری می‌شود. ما درست موقعی که در حال خروج از رکود اقتصادی ترسناکی هستیم، باید با فجایع واقعی در سرزمینمان دست‌وپنجه نرم کنیم و نیاز داریم که بر بازسازی تمرکز کنیم. برخی در کنگره می‌خواهند اوباما و دولت او را پاره‌پاره کنند و از هم بدرند. این سیاست زمخت و کودکانه است که از کلمه رسوایی استفاده می‌کنند درحالی که حتی یک ذره هم به رسوایی نزدیک نیستیم. جمهوریخواهان دارند مانند پسرکی می‌شوند که آنقدر صدای گرگ درآورد که دیگر کسی باور نکرد.

منبع: یو اس نیوز

*** پیتر فن از استراتژیست‌های سیاسی دموکرات و رییس موسسه «ارتباطات فن» است که صدها کمپین تبلیغاتی را سامان داده است. او همچنین استاد مدرسه مدیریت سیاسی دانشگاه جورج واشنگتن است.**

دریچه

بررسی آماری رسوایی‌های دور دوم روسای‌جمهور آمریکا

واترگیت اوباما

ترجمه: حمیدرضا خراسانی

از زمان واترگیت، تمام روسای‌جمهوری که دو دوره در قدرت بوده‌اند در دوره دوم یک رسوایی داشته‌اند. اشتباهات دوره نخست و بیش‌حزبی بودن، تحقیقاتی مانند بررسی‌های بنغازی و سرویس مالیات داخلی را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند.

واترگیت البته عبارتی است سیاسی شده برای هر رسوایی که برای یک رییس‌جمهور آمریکا رخ می‌دهد. با این حال واترگیت چیزی است که انگار ماندنی‌تر شده، چیزی که برای تمام روسای‌جمهور دو دوره‌ای رخ می‌دهد؛ رسوایی دور دوم.

پرزیدنت ریگان، موضوع ایران - کنترا را داشت. پرزیدنت کلینتون رسوایی «مونیکا لوینسکی» را داشت. پرزیدنت جورج بوش معاونش دیک‌چنی را داشت که خود را درگیر تحقیقات افسر سی‌آی‌ای، «والری پلیم»، کرد. اکنون به نظر می‌رسد که آقای اوباما هم با اتهامات مبنی بر اینکه کاخ‌سفید با پنهان کردن این واقعیت که حمله به دیپلمات‌های آمریکایی در لیبی تروریستی بوده و اینکه سرویس مالیات داخلی در دولت او در درخواست‌ها برای وضعیت معاف از مالیات علیه گروه‌های محافظه‌کار تبعیض نشان داده، عضوی از این باشگاه شده باشد.

کاخ‌سفید گفته که در مورد بنغازی هیچ اشتباهی مرتکب نشده بلکه اطلاعاتی را همان‌گونه که دریافت کرده، منتشر کرده است. کاخ‌سفید همچنین اعلام کرده که از فعالیت‌های سرویس مالیات داخلی علیه گروه‌های تی‌پارتی و دیگر گروه‌ها اطلاعی نداشته و به جنگ با تحقیقاتی رفته که دستورکارهای دوره دوم دولت اوباما را می‌بلعند.

دن فایفر، مشاور ارشد کاخ‌سفید در گفت‌وگو با برنامه «این هفته» شبکه ای‌بی‌سی، گفته است: «ما در تسریع تله‌گذاری‌های حزبی که برای انحراف از موضوعات واقعی طراحی شده‌اند شرکت نمی‌کنیم.»

اما مشکل دور دوم چیست که اینقدر روسای‌جمهور را به دردسر می‌اندازد؟ مشکل درواقع همان دور نخستی است که پیشتر گذشته است. سیاست‌های ریاست‌جمهوری به‌ندرت مانند ابرهای کرکی و رنگین‌کمان است و بوروکراسی کلان آمریکا هرگز شبیه نظم ساعت‌مانند سوییس نبوده است. اشتباهاتی رخ می‌دهند و این به‌ندرت به اعترافات رییس‌جمهور در پیش کنگره منجر می‌شود.

مشکل دور دوم روسای‌جمهور چیست که باعث می‌شود آنها

اینقدر رسوا به نظر برسند؟ ساده است: قانون آهنین درازای عمر. این را دویل مک مانوس در مقاله‌ای برای لس‌آنجلس‌تایمز نوشته است. «تمام دولت‌ها مرتکب اشتباه می‌شوند و تمام دولت‌ها تلاش می‌کنند این اشتباهات را مخفی کنند. اما هرچه دولتی بیشتر بر سر کار باشد، اشتباهات بیشتری می‌کند و پنهان کردن آنها سخت‌تر می‌شود.»

برندن نیان، عالم علوم سیاسی کالج دارت‌موث، حتی نمودارهایی را برای اثبات این قضیه در اختیار دارد. او با نگاه به داده‌های زمان رسوایی‌های گزارش‌شده واشنگتن‌پست دریافته که بعد از حرکات نامنظم سال تحلیف، زمان اوج رسوایی‌ها سال پنجم دولت است.

او در نتایج مطالعه‌ای که به‌تازگی منتشر کرده، می‌نویسد: «داده‌های واشنگتن‌پست نشان می‌دهد که با تلاش رییس‌جمهور برای محکم کردن جای پای خود و تایید نامزدهای پیشنهادی در دور اول خطر رسوایی‌ها افزایش و متعاقبا در دور دوم خطر رسوایی‌ها کاهش می‌یابد. احتمال رسوایی سپس بار دیگر در سال پنجم دولت به اوج می‌رسد (برای کسانی که برای بار دوم به قدرت می‌رسند) و بعد تا پایان دوره دوم کاهش می‌یابد.

با وجود این او معتقد است که زمان تنها یکی از فاکتورهای رسوایی است. یک فاکتور نیرومند دیگر چگونگی دید اپوزیسیون از یک رییس‌جمهور است. او می‌نویسد: «احتمال رسوایی با متخاصم‌ترشدن اپوزیسیون نسبت به دولت افزایش می‌یابد.»

در دوره بیش حزبی حاضر به نظر می‌رسد که رسوایی‌های دور دوم در آمیزه‌ای سوزان از اشتباهات، رازها، منیت‌ها، عصبیت‌ها و انتقام‌ها اجتناب‌ناپذیر شده‌اند. با این حال همه رسوایی‌ها به‌طور یکسان خلق نمی‌شوند. نیت سیلور در بلاگ «۵ و ۳۸» متذکر می‌شود که نفرین دور دوم تا حدی مخلوق درک از رسانه‌هاست. به عبارت دیگر، تنها به اینکه رسانه‌ها خبری را پوشش می‌دهند به این معنی نیست که آمریکایی‌ها در حال گوش‌دادن یا خشمگین‌شدن از آن هستند.

از طرفی او «اثر دوره دوم» را ذکر می‌کند: میانگین نرخ مقبولیت برای هفت رییس‌جمهور از هری ترومن تا جورج بوش از ۵۶درصد در سال نخست دوره اول به ۴۲درصد در دوره چهارساله دوم کاهش داشته است. این کاهش البته کلی نیست.

برای مثال نرخ مقبولیت آقای بوش از ۴۵درصد در سال پنجم دولت او تا ۲۸درصد در سال هشتم دولت او سقوط کرده اما مقبولیت آقای کلینتون به‌رغم بازخواست او در جریان رسوایی لوینسکی از ۵۸ به ۶۰درصد افزایش یافته است. به گونه‌ای مشابه، با وجود آنکه محبوبیت ریگان از سال پنجم تا هشتم از ۶۰ به ۵۲درصد کاهش یافته بود، این درصد ۵۲، خود از رقم محبوبیت دوره اول او بیشتر بود.

مقبولیت تا حدی به این بستگی دارد که آیا آمریکایی‌ها گمان می‌کنند که اپوزیسیون برای شکل‌دادن رسوایی تلاش کرده است یا خیر. این روزها به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها هنوز درباره واترگیت اوباما تصمیم نگرفته‌اند. یک نظرسنجی گالوپ که به تازگی منتشر شده نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها به رسوایی‌هایی که واشنگتن را گرفتار کرده توجهی نشان نمی‌دهند. فرانک نیوپورت، سردبیر گالوپ می‌نویسد: «اکثریت اندکی از آمریکایی‌ها خیلی یا تا حدی از نزدیک موقعیت سرویس مالیات داخلی (۵۴درصد) و جلسات کنگره درباره حملات بنغازی (۵۳درصد) را دنبال می‌کنند... درصدی که پایین‌تر از میانگین درصد داستان‌های درجه اول مورد نظرسنجی گالوپ است.»

با این وجود این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که اکثریت گسترده‌ای از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که اتهامات مربوط به سرویس مالیات داخلی و بنغازی «آنقدر جدی هستند که ادامه تحقیقات را توجیه‌پذیر کنند.» (۷۴درصد برای سرویس مالیات داخلی و ۶۹درصد برای بنغازی)

منبع: کریستین ساینس مانیتور